**انترناسیونال ۶۴۰**

**چگونه میتوان داعش را شکست داد؟**

حمید تقوایی

چگونه میتوان داعش را شکست داد؟ این سئوالی است که بویژه بعد از ترور پاریس در مرکز توجه دولتها و رسانه ها و افکار عمومی مردم در غرب و در جهان قرار گرفته است. دولتها و سیاستمداران غربی جوابهای مختلفی برای این سئوال دارند: اوباما و دولت آمریکا و دولتهای اروپائی در استراتژی خود علیه داعش هر چه بیشتر بر نقش نظامی دولتها و نیروهای اسلامی "معتدل" و متعلق به کمپ غرب تاکید میکنند؛ دولتهای غربی و رسانه های حامی آنها در عین تاکید بر تشدید مبارزه با داعش تلاش میکنند اسلام سیاسی را از زیر تیغ حمله بدر ببرند و با وسواس عجیبی از مخالفت و مقابله با "تروریسم اسلامی" و حتی بکار بردن این اصطلاح احتراز میکنند؛ دونالد ترامپ و دیگر کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه از بمباران گسترده و منطقه ای - carpet bombing - نظیر حمله به عراق و بمباران بغداد در سال ٢۰۰٣، حمله به خانواده تروریستها و ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا صحبت میکنند؛ احزاب و سازمانهای راسیستی در اروپا و امریکا بعد از حمله پاریس بیش از پیش بر طبل مهاجر ستیزی و بویژه نفرت پراکنی علیه پناهندگان از کشورهای اسلامزده میکوبند. و غیره و غیره.

این سیاستها جزئی از صورت مساله است و نه راه حل آن. این نوع سیاستها و "چاره جوئی" ها که بوسیله رسانه های دولتی و غیردولتی در غرب تبلیغ و به خورد افکار عمومی داده میشود، نه تنها خواستها و منافع مردم را - در غرب و در شرق- نمایندگی نمیکند بلکه تماما در برابر منافع و خواستها و آمال توده مردم قرار دارد. این فضا را باید شکست. بدون نقد همه جانبه این سیاستها و گفتمان ها، و بدون افشای دولتها و احزاب و رسانه ها مبلغ و مدافع آن، مقابله موثر و همه جانبه با داعش و کل نیروهای اسلامی امکان پذیر نخواهد بود.

**مولفه های مقابله چپ و انسانی با داعش**

داعش را تنها میتوان با شکل دان به یک جنبش چپ، انسانی، و رادیکال در غرب و در منطقه شکست داد. یک جنبش عمیق انتقادی با خصوصیات زیر:

۱- نقد و مقابله با داعش بعنوان یک نیروی اسلامی. داعش هم از نظر ایدئولوژیک ( دولت اسلامی مبتنی بر احکام قرآن و حکومت صدر اسلام) و هم از نظر سیاسی ( جزئی از بلوک ترکیه - عربستان سعودی - امارات در برابر بلوک جمهوری اسلامی - سوریه - روسیه) یک نیروی مذهبی و متعلق به جنبش اسلام سیاسی است. نقد و مقابله به داعش نمیتواند به دیگر نیروهای این جنبش متکی بشود. داعش را نمیتوان در جنگ داخلی میان نیروهای رنگارنگ اسلامی و دولتهای غربی و منطقه ای حامی آنها شکست داد. این برخورد و رویکرد، که محور کار دولتهای غربی و روسیه و متحدین و موتلفین منطقه ای آنهاست، خود یک فاکتور مهم سر بلند کردن نیروئی مانند داعش است و حتی اگر بتواند داعش را به عقب براند، داعشهای بعدی را به جلو خواهد راند.

اولین گام در مقابله با داعش نقد استراتژی و سیاستهای اسلامی آنست. اسلام بعنوان یک نیروی سیاسی، چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، بخاطر ایدئولوژی و دکترین مذهبی و احکام و قوانین عهد دقیانوسی و متحجرش - از قوانین قصاص گرفته تا احکام ضد زن و ضد "کفار و مرتدین" و تا ضدیت با مدرنیسم و آزادگی و آزاد اندیشی و غیره و غیره - نیروئی تماما فوق ارتجاعی و ضد انسانی است. داعش و خلافت اسلامی اش آخرین و بارزترین نمونه این توحش و ارتجاع است اما بهیچوجه تنها نمونه نیست. سیاستها و عملکرد همه دولتهای اسلامی، از نوع جمهوری اسلامی و عربستان سعودی گرفته تا اسلام "معتدل" دولت اردوغان نیز همین ارتجاع و توحش را در ابعاد و بدرجات متفاوت به نمایش میگذارد. ازاین نقطه نیز تقسیم نیروهای اسلامی به معتدل و افراطی و بدتر از آن اتکا به معتدلها در مقابله با افراطیون تنها راه را برای گسترش نفوذ و ابعاد جنایات این نیروها، علیه مردم در کشورها اسلامزده و در سطح جهانی، فراهم می آورد.

پیشروی و پیروزی در مبارزه با داعش قبل از هر چیز در گرو نقد و مقابله با جنبش اسلام سیاسی و کل دولتها و نیروهای اسلامی از یک موضع چپ و انسانی است.

٢- نقد تروریسم داعش نه تنها در رابطه با عملیات تروریستی اش در غرب بلکه در خود منطقه و علیه مسلمانان. دولتها و رسانه های غربی معمولا جنایت نیروهای اسلامی را تنها زمانی که در کشورهای غربی اتفاق می افتد تروریسم مینامند و محکوم میکنند. از نظر آنان جنایات هر روزه نیروها و دولتهای اسلامی در جوامع اسلامزده تروریسم بحساب نمی آید. اعدامهای وسیع و سنگسار و تعزیر و انواع شکنجه های اسلامی و کشتار مرتدین و کفار و همجنسگرایان و هزار و یک جنایت قانونی و شرعی دیگر علیه زنان و جوانان و مردم معترض در کشورهائی نظیر ایران و عربستان سعودی و عراق و غیره نه تنها نادیده گرفته میشود بلکه بعضا بعنوان بخشی از فرهنگ اسلامی مردم توجیه میشود. اینها همه جزئی از تروریسم اسلامی و جنایات هر روزه ای است که دولتها و نیروهای اسلامی علیه مردم در کشورهای اسلامزده مرتکب میشوند. اسلامیسم و جنبش اسلام سیاسی را باید با تمام چهره و هویت ضد انسانی اش در غرب و در شرق بازشناخت و بچالش کشید.

٣- نقد داعش ( و کل نیروهای اسلام سیاسی) بعنوان محصول سیاستهای نظم نوینی دول غربی. شرایط سیاسی و اجتماعی که داعش و نیروهای اسلامی نظیر او را بجلو رانده است محصول عملکرد بورژوازی جهانی و منطقه ای است. داعش از نظر ایدئولوژیک ریشه در اسلام هزار و چهارصد ساله دارد اما از نظر سیاسی حاصل موقعیت و بحران و بن بستهای بورژوازی جهانی و منطقه ای در عصر ماست.

این سیاستها را باید نقد و افشا کرد. باید نشان داد که چطور تهاجم نظامی دولت آمریکا و متحدینش به افغانستان و عراق زمینه های شکل گیری و بسط نفوذ نیروهای اسلامی نظیر داعش را فراهم آورده است. باید نشان داد که چطور بر متن بحران حکومتی بورژوازی جهانی اسلام سیاسی بعنوان پرچم سهمخواهی بورژوازی عرب و کشورهای اسلامزده شکل گرفته و بجلو رانده شده است. باید نشان داد که چگونه سیاستهای بورژوازی غرب در جهان یک قطبی پس از جنگ سرد زمینه های سربلند کردن نیروها و دولتهای قومی مذهبی راسیستی را، ابتدا در یوگسلاوی و جمهوری های سابق شوروی و سپس در عراق و افغانستان و کل خاورمیانه فراهم آورده است. باید نشان داد که چطور نظریاتی مانند پست مدرنیسم و تز جوامع موزائیکی و دولتهای قومی - مذهبی، که خود نتیجه بحران حکومتی و فلسفی ایدئولوژیک بورژوازی جهانی است، در را چهارطاق برای میداندار شدن نیروهای اسلامی و شکل گرفتن جنبشی با پرچم "دولت اسلامی"، جامعه اسلامی و فرهنگ و قوانین اسلامی، باز گذاشته است. این شرایط، بهیچوجه توحش و جنایت نیروها و دولتهای اسلامی را توجیه نمیکند - جنایت هر جنبش و نیروئی را باید بپای خودش نوشت- اما شناخت این زمینه ها برای نقد ریشه ای داعش، و ماهیت و ریشه های طبقاتی آن ضروریست.

٤- نقد سیاستهای اسلام پناهانه دولتها و جنبشها و احزاب راست و چپ بورژوائی در غرب. دولتهای غربی سیاستهای مماشات جویانه و سازشکارانه ای را در قبال اسلام "معتدل" و "خوش خیم" دنبال میکنند. از سوی دیگر نیروهای و احزاب لیبرال و چپ سنتی نیز با تزهای پست مدرنیستی احترام به مذاهب و مخالفت با "اسلام هراسی" و غیره عملا آب به آسیاب سیاستهای پرو اسلامیستی دولتهای غربی میریزند. به این مجموعه باید حمایت آشکار نیروی ظاهرا چپ "ضد امپریالیست" از دولتها و نیروهای اسلام "ضد آمریکائی" را اضافه کرد. سر بر آوردن قارچ گونه مساجد و مدارس اسلامی و داگاهها و قوانین شریعه در کشورهای اروپائی و برسمیت شناسی امام جمعه ها و مفتی ها و رهبران خودگمارده "جامعه مسلمانان" بعنوان نماینده مسلمانان مهاجر در کشورهای غربی و غیره و غیره همه حاصل این سیاستهای پرو اسلامی دولتها و نیروهای لیبرال پست مدرنیست و چپ سنتی ضد آمریکائی است. اسلام سیاسی و نیروهای تروریستی نظیر داعش از این سیاستها ارتزاق میکنند و دامنه نفوذ خود در کشورها غربی را گسترش میدهند.

٥- نقد راسیسم و فاشیسم در غرب. روی دیگر سیاستهای پرو اسلامیستی و آوانس دادنهای پست مدرنیستی و "ضد امپریالیستی" به نیروهای اسلامی فعال شدن نیروهای راسیستی در جوامع غربی است. با لیبرالیسم و چپ پست مدرنیستی نمیتوان به جنگ راسیسم رفت. راسیسم و پست مدرنیسم هم ریشه اند. راسیسم در واقع پست مدرنیسمی است که "دیگران" را تحمل نمیکند. تنها با دفاع از هویت مشترک و جهانشمول انسانها میتوان با راسیسم و پست مدرنیسم هردو مقابله کرد.

در دوره اخیر و بعد از حمله پاریس نیروهای راسیستی مسلمانان و پناهندگان از کشورهای اسلامزده را هدف گرفته اند. پاسخ ضدیت با مسلمانان و پناهنده ستیزی راسیستها نیز لیبرالیسم و چپ پست مدرنیستی نیست بلکه جدا کردن حساب اسلام و اسلامیسم از مسلمانان و دفاع فعال از حقوق انسانی و مدنی پناهندگان و مهاجرین از کشورهای اسلامی در عین نقد عمیق و همه جانبه مذهب اسلام و اسلام سیاسی است.

٦- نقد صلح طلبی چپ سنتی . صلح طلبی که از جانب برخی نیروهای چپ سنتی در غرب نمایندگی میشود راه حل مساله داعش نیست. این موضع ظاهرا از مخالفت با دخالت نظامی دولتهای غربی در سوریه و در کل منطقه ناشی میشود اما این واقعیت را نمی بیند که اولا اساس مساله حمله نظامی دولتهای غربی علیه داعش نیست بلکه بر عکس حمایت دوفاکتوی این دولتها از داعش است. دولتهای غربی و موتلفین منطقه ای شان ( نظیر ترکیه و عربستان و امارات) و از سوی دیگر روسیه در بهترین حالت سیاست دو لبه و کجدار و مریزی در رابطه با داعش دارند. روسیه و جمهوری اسلامی به بهانه داعش از اسد دفاع میکنند و مخالفین او را میکوبند، عربستان و ترکیه و امارت عملا از داعش حمایت میکنند، و آمریکا و دول غربی هم از داعش برای تغییر بالانس منطقه به نفع سیاستها خودشان (سنگ موازنه ابتدا علیه دولت مالکی و نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و تا همین امروز علیه اسلام سیاسی سر به روسیه و جمهوری اسلامی) استفاده میکنند. هیچ یک از این دولتها و نیروها بدلایل مختلف اراده سیاسی جارو کردن داعش از منطقه را ندارند. ائتلاف نزدیک به شصت کشور مورد ادعای دولت آمریکا علیه داعش بیشتر یک موضع گیری سیاسی - دیپلماتیک است و نه یک پیمان عملی- نظامی. اگر حتی نیمی از این دولتها واقعا و عملا میخواستند داعش را از منطقه جارو کنند، نه تنها داعش به سرعت در هم کوبیده میشد بلکه از همان ابتدا اساسا نمیتوانست چنین قدرت و نفوذی در عراق و سوریه کسب کند.

ثانیا طرفداران شعار صلح متوجه نیستند که حتی اگر همه دولتهای غربی و منطقه ای صلح طلب بشوند داعش از جنگ مقدس اش برای برپائی خلافت اسلامی دست نخواهد کشید. در چنین شرایطی "صلح طلبی" کذائی چپ سنتی جنگ و خونریزی داعش و دیگر نیروهای اسلامی علیه یکدیگر و کشتار و جنایات آنان علیه مردم منطقه را پایان نخوهد داد بلکه برعکس آنرا تشدید خواهد کرد. راه مقابله با داعش و کل نیروهای اسلام سیاسی صلح طلبی نیست.

مبارزه نظامی علیه داعش یک جزء لازم تضعیف و نهایتا به شکست کشاندن آنست. مبارزه نظامی مورد حمایت ما نمونه مقاومت قهرمانانه و جنگ پیروزمند مردم کوبانی است اما با مقابله نظامی با داعش از جانب هر نیروئی که بخواهد واقعا با داعش- نه با مردم و یا نیروهای سیاسی دیگر به بهانه داعش- بجنگد، مخالفت نمیکنیم. نقد ما به دولتهای غربی نه حمله نظامی به داعش - هر درجه و تا آنجا که واقعا با داعش میجنگند- بلکه کل استراتژی و سیاستهای است که به عروج نیروی فاشیستی ای نظیر داعش منجر شده است.

۷- نقد خیابانی داعش. در چند ماه اخیر یک جنبش توده ای در عراق علیه نیروهای سنی و شیعی، علیه دولت قومی مذهبی و در فاع از سکولاریسم و مدنیت و جامعه مدنی سربلند کرده است. این جنبشی است نه تنها صریحا و مستقیما علیه داعش و دیگر نیروها و دولتهای اسلامی، بلکه عملا اعتراضی است علیه سیاستهای دول غربی و از هم گسیختن شیرازه جامعه و تمدن و مدنیت در نتیجه این سیاستها. اعتراضات توده ای چند ماه اخیر مردم عراق کل دکترین "نظم نوین" بورژوازی جهانی و نیروهای اسلامی - قومی عشیرتی که از قفس آزاد کرده است را بچالش میکشد. این چالش خیابانی وضعیت موجود و دولتهای قومی - مذهبی را در ابعاد دیگری در جنگ مردم کوبانی علیه داعش، در اعتراضات اخیر زنان و جوانان افغانستان با شعار "جنبش نو و نظم نو"، در اعتراضات سکولاریستی مردم در ترکیه و در کردستان سوریه و در لبنان شاهد بوده ایم. در ایران نیز سالهاست یک حرکت وسیع ضد مذهبی و سکولاریستی در جریان است. این جنبش سکولاریستی مردم منطقه راه واقعی و انسانی مقابله با داعش را به همه نشان میدهد. معرفی و تبیین و حمایت فعال و جهانی از این جنبش - که اساسا با سکوت رسانه ها روبروست- و تلاش برای تقویت و گسترش یک امر و وظیفه محوری نیروهای کمونیست و آزادیخواه و انقلابی و یک فاکتور تعیین کننده در به شکست کشاندن داعش و کل جنبش اسلام سیاسی است.

**ب- مبانی نقد کمونیستی داعش**

بدونمقابله و نقد ریشه ای نیروها و دولتهای اسلامی، نقد راسیسم، و نقد رادیکال سیاست دولتهای غربی عقب راندن و به شکست کشاندن داعش ممکن نیست. بدون این نقد همه جانبه حتی اگر داعش از نظر نظامی شکست بخورد نیروی اسلامی دیگری سر بر خواهد آورد (همانطور که از طالبان و القاعده نوبت به داعش رسید).

وظیفه ما کمونیستها شکل دادن به یک جنبش اجتماعی حول پلاتفرم انتقادی فوق است. این جنبش انتقادی و بستر عمومی ای که مجموعه مولفه های انتقادی این جنبش را به یکدیگر مربوط میکند بر سه اصل مبتنی است: سکولاریسم، یونیورسالیسم و اته ئیسم.

۱- سکولاریسم. مذهب زدائی از دولت و جامعه، تاکید بر جامعه مدنی و مدنیت، و برخورد به مذهب عنوان امر خصوصی افراد اساس نقد ما به دولتها و نیروهای اسلامی در خاورمیانه و جوامع اسلامزده است. این اولین سنگر مبارزه ما کمونیستها علیه نیروهای اسلامی و علیه حامیان دولتی و پست مدرنیستی و "ضد امپریالیستی" اسلامیسم است.

امروز سکولاریسم در کشورهای خاورمیانه پایگاه وسیعی دارد. نقد خیابانی داعش بوسیله توده های مردم منطقه که به آن اشاره شد، نشاندهنده درجه استقبال و روی آوری عمومی به سکولاریسم و پایه های توده ای و اجتماعی نقد وضع موجود از یک موضع چپ و انسانی در این کشورهاست. این جنبش سکولاریستی در عین حال به معنی نقد کل دولتهای مذهبی- قومی و تز جوامع موزائیکی است. این مشخصا جنبشی است علیه نظم نوین جهانی ومدل پیاده شده این نظم در خاورمیانه. یک وظیفه محوری کمونیستها و نیروهای سکولار در مقابله با داعش معرفی و تقویت و حمایت از این جنبش سکولاریستی توده ای در کشورهای اسلامزده است.

٢- یونیورسالیسم. تاکید بر ارزشهای جهانشمول انسانی و هویت یکسان همه انسانهای کره ارض ریشه نقد ما به راسیسم و تقسیمبندی مردم و جوامع در خود غرب بر مبنای مذهب و ملیت و نژاد ( جوامع موزائیکی و گتوئی) و در دفاع از حقوق انسانی و برابر برای همه شهروندان و ادغام مهاجرین در جوامع میزبان است. ما با تز پست مدرنیستی تمدنهای مختلف و لذا گفتگوی تمدنها و یا جنگ تمدنها از ریشه مخالفیم. تمدن انسانی واحد و جهانشمول است ( کما اینکه دستاورهای مادی این تمدن: الکتریسته و کامپیوتر و اتومبیل و غیره جهانشمول و جزئی از فرهنگ و سبک زندگی مردم در همه کشور ها است.).

آنچه تمدن غربی نامیده میشود در واقع آخرین مرحله پیشرفت تمدن انسانی و دستاورد تاریخی همه جوامع بشری در طول تاریخ است. مدنیت و سکولاریسم دستاورد کل بشریت است. امروز بورژوازی جهانی تماما از این دستاوردها عقب نشسته است. مدنیت و سکولاریسم و حقوق برابر شهروندی و نفس جامعه مدنی نه تنها در جوامع اسلامزده زده تماما نفی و انکار میشود بلکه در خود جوامع غربی نیز به درجات زیادی عملا بزیر سئوال رفته است. دکترین و فلسفه سیاسی و اجتماعی این عقب گرد، پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی است و یونیورسالیسم با نقد ریشه ای این دکترین از انسانیت و هویت و حقوق و ارزشهای جهانشمول انسانی دفاع میکند.

٣- اته ئیسم. اسلام مانند هر مذهب دیگر حتی بعنوان یک عقیده اسارتبار و ضد انسانی است. جنایت داعش و جمهوری اسلامی و سایر دولتها و نیروهای اسلامی از نظر ایدئولوژیک و نظری به احکام اسلام متکی است. همانطور که جنایت کلیسا در قرون وسطی به مسیحیت و احکام انجیل مبتنی بود. از نظر سیاسی داعش و کل جنبش اسلام سیاسی زائیده ضروریات دنیای سرمایه داری امروز است اما از نظر ایدئولوژیک در احکام و فلسفه و ارزشهای فوق ارتجاعی اسلامی ریشه دارد. نقد و روشنگری علیه این مبانی نظری نیز یک جزء مهم مبارزه با کل جنبش اسلام سیاسی است. اته ئیسم امروز نه تنها بعنوان یک چالش فکری - نظری در نفی خرافه خدا و مذهب، بلکه بعنوان یک عرصه مبارزه سیاسی با جنبشی که وحشیانه ترین جنایات را با احکام الهی توجیه و تبیین میکند، جایگاه برجسته ای در مبارزه علیه داعش و دیگر نیروها و دولتهای اسلامی پیدا میکند. اته ئیسم در عین حال اسلحه موثری در مبارزه با سیاستهای اسلام پناهانه دولتهای غربی و پست مدرنیسم و چپ سنتی در غرب است.

----

تاریخا هیچیک از این سه اصل ویژگی کمونیستها نبوده است اما امروز این پرچم تنها در دست ما کمونیستهاست ( امرور نه تنها هیچ دولت بورژوائی بلکه هیچ حزب لیبرال و دموکرات و حتی هیچ نیروی چپ سنتی - نیروها و احزاب سنتی کمونیست و سوسیال دموکرات و یوروکمونیسم و غیره- از این سه اصل دفاع نمیکند). به شکست کشاندن نه تنها داعش بلکه کل جنبش ضد انسانی اسلام سیاسی مهمترین جبهه نبرد و مصاف طبقاتی کمونیسم امروز است. این نیروی عظیم پایگاه و نقطه اتکای اجتماعی ما کمونیستها در مبارزه علیه اسلام سیاسی و کلا عقبگرد و توحشی است که بورژوازی جهانی بر مردم دنیا تحمیل کرده است.

٢٣ دسامبر ٢۰۱٥